

باسمه تعالی

نام..... اداره کل آموزش و پرورش ناحیه اردبیل

تاریخ امتحان : ۱۴۰۲/۱۰/۶

درس و پایه : نگارش یازدهم تجربی

دبیرستان مدرس

نام خانوادگی:.....

نمره	« سوالات »	ردیف
۱	<p>بازشناسی ۲ نمره</p> <p>متن زیر را به دقت بخوانید و واژگان مربوط به زمان و مکان و فضا را جدا کنید. چهار مورد کافی است تا آن روزها که کلاس هشتم بودم خیال می کردم عینک مثل تعلیمی (عصا) و کراوات یک چیز فرنگی مآبی است که مردان متمدن برای قشنگی به چشم می گذارند. در مدرسه قد بنده نسبت به سنم همیشه دراز بود. در برابر این قد دراز چشمم سو نداشت و درست نمی دید. بی آن که بدانم چشمم ضعیف و کم سوست، چون تابلو سیاه را نمی دیدم بی اراده در همه ی کلاس ها به طرف نیمکت ردیف اول می رفتم. روزی یکی از مهمانان ما که پیرزنی دهاتی بود به خانه ی ما آمد.</p> <p>او کتاب هایش را در بقچه ای می گذاشت. روزی که پیرزن نبود رفتم سر بقچه اش و کتاب هایش را به هم ریختم و بعد برای مسخره و از روی بدجنسی عینکش را از جعبه درآوردم و به چشم گذاشتم. آه هرگز فراموش نمی کنم آن لحظه ای که دنیا برایم تغییر کرد. بعد از ظهر یک روز پاییزی بود. من تا آن روز درخت ها جز انبوهی برگ درهم ریخته چیزی نمی دیدم خوش حال بودم</p> <p>زمان : مکان : فضا :</p>	۱
۱	<p>متن زیر را به دقت بخوانید و ویژگی رفتاری قهرمان داستان را بنویسید. ذکر ۴ مورد کافی است از از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم. در تمام این مدت سه سال نشد که یک روز کاغذ و مدادی به مدرسه بیاورد یا تکلیفی انجام دهد. وقتی معلم خسرو را برای خواندن انشا صدا می کرد دفترچه من یا مصطفی را برمی داشت. صفحه سفیدی را باز می کرد و انشایی می ساخت و یک نمره بیست می گرفت. دیگر از استعداد هایش آوازش بود. روزی مسابقه قهرمانی کشتی کشور برگزار شد. خسرو حریف را با چالاکي به قول خودش فرو کوفت و قهرمان کشور شد اما چه سود که حسودان تنگ نظر او را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند تا جایی که ورزش را کنار گذاشت و تریاکی و شیریه ای شد و کارش به ولگردی کشید. روزی در خیابان او را دیدم. شادی کردم و به سوییخ دویدم. آن خسرو مهربان و خون گرم با سردی نگاهم کرد. از چهره اش بدبختی می بارید. از مادر بزرگش پرسیدم گفت دو سال است که مرده است. از این ملاقات چند روزی نگذشت که خسرو در گوشه ای از خیابان بی سر و صدا جان سپرد و آن همه استعداد و قریحه را با خود به زیر خاک برد.</p>	۲
۱,۵	<p>ب) سازه های نوشتاری ۴ نمره</p> <p>حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.</p> <p>یکی را گفتند دلت چه خواهد گفت آن که دلم چیزی نخواهد. دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای و نادان چون طبل غازی بلند آواز و میان تهی.</p> <p>لغات مهم: طبله: صندوقچه / عطار: عطر فروش / غازی: جنگجو طبل غازی بلند آواز و میان ته</p>	۳

۱,۵	<p>یکی از مثل های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.</p> <p>۱ از این گوش می گیرد از آن گوش درمی کند.</p> <p>۲ دیگ به دیگ می گوید رویت سیاه</p> <p>۳ به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می آید.</p> <p>۴ از کوزه همان برون تراود که در اوست</p> <p>۵ بار کج به منزل نمی رسد</p> <p>۶ اندک اندک جمع گردد وانگهی دریا شود</p>	۴
۱,۵	<p>شعرگردانی: یکی از شعرهای زیر را انتخاب کنید و درک و دریافت خود را از آن بنویسید.</p> <p>۱) دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد / ابری که در بیابان بر تشنه ای بیارد</p> <p>۲) بیا تا جهان را به بد نسپ ریم / به کوشش همه دست نیک ی بریم</p> <p>۳) دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی / زنهار بد مکن گه نکرده است عاقلی</p> <p>۴) پیاموزمت کیمیای سوادت / ز هم صحبت بد جدایی جدایی</p> <p>۵) مخسب آسوده ای برنا که اندر نوبت پیری / به حسرت یاد خواهی کرد ایام جوانی را</p>	۵

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد